



زندگانی شیخ مصطفی اسماعیل در سایه قرآن کریم

کمال نجمی

ترجمه و تحقیق: سعید ملاحسینی

شورای عالی قرآن

و

انتشارات سروش

تهران ۱۳۸۴

Najmi, Kamal

نجمی، کمال

زندگانی شیخ مصطفی اسماعیل در سایه قرآن کریم / به قلم کمال نجمی؛ ترجمه و تحقیق سعید ملاحسینی. — تهران: شورای عالی قرآن؛ سروش (انتشارات صدواسیما)، ۱۳۸۴. ۱۵۲ ص.

ISBN: 964-376-262-9؛ ۱۲,۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۵۱] - ۱۵۲.

۱. اسماعیل، مصطفی، ۱۹۰۵-۱۹۷۸ م. Esmāil, Mostafā — سرگزشتنامه. ۲.

قاریان — سرگزشتنامه. الف. ملاحسینی، سعید، ب. صدواسیما، جمهوری اسلامی ایران.

شورای عالی قرآن. ج. صدواسیما، جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش. د. عنوان.

۲۹۷/۱۹۲

BP ۸۱/۵ / ۱۵۵

۱۳۸۴

۸۴-۲۶۵۰۰م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات صداسیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان جام جم

مرکز بخش: مجتمع فرهنگی سروش، ۵-۶۶۹۵۲۸۷۰

<http://www.soroushpress.com>

عنوان: زندگانی شیخ مصطفی اسماعیل

در سایه قرآن کریم

نویسنده: کمال نجمی

ترجمه و تحقیق: سعید ملاحسینی

چاپ اول: ۱۳۸۴

این کتاب در دو هزار نسخه در چاپخانه انتشارات سروش، لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۳۷۶-۲۶۲-۹

فهرست

۱	سخنی با خواننده محترم.....
۵	سخنی از عاطف اسماعیل فرزند شیخ مصطفی اسماعیل.....
۹	مقدمه نویسنده.....
۱۹	فصل اول - تلاوت قرآن و خواندن آن با آهنگ.....
۲۵	فصل دوم - قرائت با الحان و ضوابط آن.....
۳۷	فصل سوم - قرائت و قاریان در دوران معاصر.....
۴۵	فصل چهارم - دوران کودکی و منزل خانوادگی.....
۵۱	فصل پنجم - دوران تحصیل در مکتب.....
۵۹	فصل ششم - قرائت رایگان.....
۶۵	فصل هفتم - پس از آموزشگاه دینی.....
۷۷	فصل هشتم - در دوران نهضت.....
۸۵	فصل نهم - از طنطا تا قاهره.....
۹۱	فصل دهم - عضویت در سازمان قراء.....

فصل یازدهم - مسئله رادیو و قرائت نیم ساعته	۱۰۳
فصل دوازدهم - ارزیابی قاریان	۱۰۹
فصل سیزدهم - قاری الأُزهر	۱۱۹
فصل چهاردهم - عادات و نکات شنیدنی	۱۲۹
فصل پانزدهم - وفات	۱۳۹
فصل شانزدهم - آمار مربوط به تلاوتهای شیخ	۱۴۷
فهرست منابع	۱۵۱

سخنی با خواننده محترم

پرداختن به شخصیت قاری بلندمرتبه‌ای همچون مصطفی اسماعیل و سخن راندن درباره ابعاد فنی - هنری قرائت او در نوع خود ارزشمند است و هر اهل ذوق که با قرائت قرآن آشنا باشد، بدان اشتیاق می‌ورزد؛ اما در این میان از یک مهم نباید غافل بود و آن اینکه مبادا در پردازش این شخصیت بگونه‌ای عمل کنیم که انگار تاریخ او سپری شده است و اکنون باید او را از پشت شیشه موزه نظاره کنیم؛ زیرا اشیای قیمتی در موزه‌ها هر چند با دیده تقدیس و اکرام نگریسته می‌شوند، دیدارکنندگان معمولاً آنها را از ساحت زمان و مکان فعلی منقطع دانسته، فقط برای ظرف موزه مناسب می‌دانند.

غرض از این سخن آن است که اگر از شیخ مصطفی اسماعیل تجلیل می‌شود، باید بگونه‌ای او را نگریست و شناسایی و تعریف کرد که بتواند سرمشق قابل تأسی در ظروف و شرایط حاضر نیز باشد و باید همه جوانبی را که منجر به شکوفایی و پرورش این قابلیت کم‌نظیر شده است، به رسمیت شناخت و آنها را حرمت گذاشت. خواننده وقتی ملاحظه می‌کند فرزند مرحوم شیخ یعنی عاطف اسماعیل در مقدمه‌ای بر این کتاب از پدر خود با تکریم و تقدیس یاد کرده است، عاطف را می‌ستاید و کار او را ارج می‌نهد، اما با خواندن کلمات آغازین سخنش، اندکی به فکر فرو می‌رود.

او سخن خود را چنین شروع کرده است:

«از سال ۱۹۵۳ تا امروز، در آلمان زندگی کرده و در آنجا زندگی و کار و خانواده‌ام را بنا نهاده‌ام»

در اینجا شاید خواننده از خود سؤال می‌کند:

چرا این فرزند نیکوکار و وفادار کلام خود را چنین آغاز کرده و اصرار داشته است از همان اول، نام فرنگ را ذکر کند و همه چیز خود را منسوب بدان کند، آنگاه به ذکر پدرش بپردازد؟

این جانب محتمل می‌دارد که فرزند مصطفی اسماعیل با همه عظمت شأنی که برای پدر خود قائل است، مایل نیست او را از زبان فرزندش که کاملاً پایش را جای پای پدر گذاشته است معرفی کند، بلکه مطلوب او فرنگ رفته ای است که از شخصیت پدر به عنوان یک زینت یاد می‌کند.

ممکن است گفته شود این سلیقه و ذوق او بوده و خرده‌گیری در اینجا روانیست. در جواب باید گفت که مقصود خرده‌گیری نیست، بلکه، بیان این مطلب است که جدا کردن یک حقیقت متعالی از محیط و ظرفی که منجر به پیدایش و ازدهار آن حقیقت شده، چه بسا به معنای انکار اصل آن باشد به عبارت دیگر، کسی نمی‌تواند مصطفی اسماعیل را به عنوان یک فرد معنوی که نعمات قرآنی را از آسمان دریافت می‌کرده معرفی کند، اما شرایط طیب زندگانی او را آن هنگام که در «ذات قرار و معین» خود و در حالی که قاطن در مزارع پنبه به لطافت روزگار می‌گذراند، لایق عنایت نداد و آن را در پرورش و تکوین شخصیت معنوی وی مؤثر شمارد.

نویسنده محترم کتاب، کمال نجمی، افسوس بسیار خورده است. و چه افسوس بجایی. که چرا و چگونه صدها ساعت تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل سر از کشورهای غربی درآورده و در خود مصر از آنها خبری نیست و آنرا نتیجه بی‌توجهی به موارث عظیم خودی دانسته است؛ اما جا دارد با او و با خود بگوییم آنچه از نوار شیخ مهم‌تر است سیره و راه اوست که باید توسط فرزندان او پیگیری می‌شد و آنچه

موجب اندوه است از دست رفتن استعداد وارثان این بزرگان است. و این بلیه‌ای است که گفتار پیرامون آن مجالی بیشتر از مقدمه یک کتاب می‌طلبد؛ اما اگر مختصراً بدان اشارتی رفت از این رو بود که توجه خواننده ارجمند به دو نکته مهم جلب شود:

اول آنکه باید مراقب باشیم تجلیل ما از ارزشها و صاحبان آنها تجلیل موزه‌ای نباشد.

دوم آنکه قاریان محترم همواره شرایط محیط و الگوی زندگی را در پرورش تواناییهای هنری - قدسی دخیل بدانند.

با این همه، تألیف کتاب حاضر که زنده داشت یاد استاد مرحوم شیخ مصطفی اسماعیل قاری شهیر معاصر است، عملی است پسندیده که ترویج و ترجمه آن را سودمند می‌دانیم و گمان داریم که مشتاقان قرائت را ارمغانی پربها و سودمند باشد.

در اینجا لازم است گفته شود که نویسنده این کتاب قبل از هر چیز یک روزنامه‌نگار و گزارشگر است و به همین دلیل دیدگاه او دیدگاه یک قاری و محقق قرآنی نیست بلکه او گزارشی از احوال و زندگانی مرحوم شیخ مصطفی اسماعیل فراهم کرده است هر چند که این گزارش می‌تواند ما را به برخی زوایای نادانسته از هنر شیخ رهنمون شود.

و اما اصل کتاب؛ یعنی «حیة الشیخ مصطفی اسماعیل تحت ظل القرآن» رهاورد همکار بزرگوار جناب آقای صدرزاده از سفر مصر برای رئیس محترم شورای عالی قرآن است.

با کسب اجازه از ریاست محترم شورا برای ترجمه کتاب و وساطت همکار ارجمند جناب آقای امام جمعه، این امر به جناب آقای ملاحسینی واگذار شد. ایشان نیز به خوبی از عهده کار برآمدند که بازنگری و مطابقه‌ای که حقیر صورت داد گواه بر این مدعاست.

از خداوند کریم مسئلت دارد این عمل را در کارنامه ما جزو حسنات محسوب کند و ما را در دنیا و آخرت از قرآن جدا نفرماید.

امیر محمود کاشفی